

## تطبیق پارچه ی دیبای شوشتری و ابریشم از نظر کاربرد و خاستگاه و طرح و رنگ

عصمت غنی زاده<sup>۱</sup>

سید محمود طباطبایی<sup>۲</sup>

محسن برزگری<sup>۳</sup>

### چکیده

فرهنگ و میراث فرهنگی از جمله سرمایه‌های هر ملتی است. منسوجات نساجی که جزو میراث فرهنگی کشورها محسوب می‌شوند، بنا به ماهیت ناپایدار خود نسبت به دیگر موارد بشری در گذر تاریخ از بین می‌روند و برای بررسی تاریخچه منسوجات نساجی باید در متون ادبی کهن و آثار نقاشی غارها و نگاره‌ها به جستجو پرداخت. در میان انواع منسوجات پارچه دیبای شوشتری از قدمت دیرینه‌ای برخوردار است. پارچه دیبای شوشتر بنا به ماهیت و کاربرد آن شباهت و تفاوت‌هایی با منسوجات ابریشمین دارد. با توجه به شواهد و توصیف‌هایی که از دیبای شوشتری و پارچه‌های ابریشمی در منابع مکتوب آمده در می‌یابیم که پارچه‌های مذکور منسوجی ابریشمی و زربفت بوده که از روزگار شاپور دوم ساسانی با مهاجرت بافندگان سوری به ایران در شهر شوشتر توسعه یافته و تا دوران اسلامی با حمایت خلفا و حاکمان ایرانی تا قرن‌ها کاربرد داشته است که در این مقاله به مطالعه تحلیلی و تطبیقی پارچه دیبای شوشتری و ابریشم می‌پردازیم.

**واژگان کلیدی:** دیبای شوشتری، ابریشم، ساسانیان دوره اسلام

پروژه‌ساز: نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۱. کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشگاه علم و هنر یزد، (نویسنده مسئول)، nayer.ghz@gmail.com

۲. عضو هیات علمی گروه طراحی پارچه و لباس، دانشگاه علم و هنر یزد

۳. عضو هیات علمی گروه طراحی پارچه و لباس، دانشگاه علم و هنر یزد

## ۱- مقدمه

تولید پارچه و پوشاک از نشانه‌های مهم فعالیت اقتصادی مردم ایران در تبادلات تجاری داخلی با دیگر سرزمین‌ها در گذشته بوده است. مراکز متعددی نظیر مناطق ماوراءالنهر، خراسان، خوزستان و فارس و آذربایجان و طبرستان در زمینه نساجی فعالیت داشتند. اشتغال بیشتر مردم در امر کشاورزی و دامداری و کشت و فراوری مواد اولیه برخی پارچه‌ها چون پنبه و کتان، پشم و ابریشم و وجود کارگاه‌های تولید پوشاک در بسیاری از شهرها در رشد و پیشرفت صنعت پارچه‌بافی تولید انواع منسوجات نقش مهمی ایفا کرد همین امر باعث رونق اقتصاد و تجارت و بازرگانی با دیگر بلاد شد. با بررسی‌های دقیق و مفصل به جرأت می‌توان گفت یکی از ادوار تاریخی تولید دیبای شوستری و پارچه ابریشمی موجب آوازه پارچه و منسوجات ایرانی و ارزش اقتصادی همراه با انتقال فرهنگی در دیگر مناطق می‌گردید. بر اساس موضوع مطالعه تحلیلی و تطبیقی پارچه دیبای شوستری و ابریشم می‌توان گفت که وجه تسمیه و خاستگاه منسوجات دیبای شوستری و ابریشم جایگاه داخلی و منطقه‌ای دیبای شوستری و ابریشم، جنس الیافت و نحوه تهیه آن و مشخصات ظاهری شامل ابعاد، رنگ، طرح و هویت و کاربردهای آن مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۱-۲- ضرورت پژوهش

پژوهش حاضر بر آن است که با بررسی در کتب تاریخی به روش تحلیل محتوا در مورد مقایسه دیبای شوستری با ابریشم دست یابد، زیرا در گذر تاریخ شکاف‌های ادبیاتی و نظری زیادی ناشی از نپرداختن به موضوع در مورد دیبای شوستری به وجود آمده که با برطرف کردن این شکاف‌ها و روشن شدن تاریخچه دیبای شوستری، منجر به احیاء میراث کهن منطقه شده و همین امر باعث رونق کسب و کار و جذب گردشگران به منطقه می‌شود. زیرا دیبای شوستری یکی از فاخرترین کالای صنعتی و تجاری عصر کهن ایران بوده و از لحاظ نفس موضوع اهمیت بسزایی دارد. در این پژوهش ابتدا به بررسی تاریخچه دقیق و مستند دیبای شوستری پرداخته و سپس مشخصات فنی و هنری دیبای شوستری را با ابریشم مقایسه تطبیقی داده و کاربردهای دیبای شوستری و ابریشم را مورد بررسی قرار می‌دهد.

## ۱-۳- واژه‌شناسی دیبا

دیبا قماش‌ی باشد از میرالوان. در لغتنامه دهخدا. جامعه ابریشمین، دیبا و دیبه نیز گویندش تعربیش دیبا و تازیش حریر بود. در معیار آمده است که دیبا معرب دیبا است ادی شیر نیز در همین رأی رفته و گفته «دیبا در فارسی مرکب از دیو + باف» است (از حاشیه المعرب جوالیقی ص ۱۴۰)  
(مقس؛ ابریشم یا ریسمان پيله که نوعی از ابریشم «ی» است. یا دیبا یا کتان.  
(منتهی الارب). استبرق؛ دیبائی ستر است سندس و برنون دیبائی تنک است.

در فرهنگ معین آمده:

- دیبای شُشتر؛ دیبائی که شُشتر آرند- حریر بافت شوشتر؛

صبا را ندانی ز عطار تَبّ  
زمین را ندانی ز دیبای شُشتر

#### ۱-۴- پیشینه:

در اکثر قریب به اتفاق منابع تاریخی و معاصر آورده شده است که خوزستان (شوشتر)، همواره به عنوان یکی از مراکز عمده صنعتی و سیاسی ایران باستان به شمار می‌رفته، بنابراین بر اساس شواهد تاریخی در زمینه بافت انواع منسوجات نیز دارای پیشینه‌ای کهن است. دوره ساسانی یکی از درخشان‌ترین دوره‌ها از نظر بافندگی بوده است. دکتر زکی در کتاب صنایع ایران بعد از اسلام درباره بافته‌های این دوره می‌گوید: «در این دوره بافندگی ایران به اوج عظمت، ترقی و رونق خود رسید.» از دوره ساسانی نیز پارچه‌های ابریشمی بسیاری باقی‌مانده که نشان از تولید انبوه این بافته‌ها دارد. در مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کارگاه‌های حریربافی در زمان ساسانیان در خوزستان به ویژه شهرهای شوش، شوشتر و جندی‌شاپور قرار داشتند. مهاجرت اهالی روم را می‌توان از مؤثرترین عوامل گسترش نساجی در خوزستان دانست. در گزارش «کارنامه شهیدان» آمده که پیشینه‌ی بافت پارچه‌های ابریشمی در خوزستان، دست‌کم از سده‌ی چهارم میلادی است. در این زمان شاپور دوم به دیار بکر، در شمال بین‌النهرین، تاخت و با اسیرانی بسیار به خوزستان بازگشت. بعضی از مورخان سکونت این اسیران در شوش و شوشتر را سرآغاز دیبا و خز دانسته‌اند.

«پس از آن‌که شاپور به دیار جزیره آمد و بار دیگر به دیار روم حمله برد و مردم بسیار از آنجا بیاورد و در شوش و شوشتر و دیگر شهرهای ولایت اهواز (خوزستان) اقامت داد که توالد کردند و در آن سکونت گرفتند و از آن هنگام به شوشتر دیبای شوشتری و انواع حریر، و به شوش خز و به دیار نصیبین پرده و فرش بافتند و معمول شد که هنوز هم هست.» در بررسی پیشینه دیبای شوشتری پس از ظهور اسلام نیز در منابع چنین آورده شده است که اعراب دوران جاهلی نسبت به منسوجات ایرانی شناخت داشتند زیرا در ادبیات عرب از "دیباج" یاد شده است. این جایگاه دیبا در شعر عرب، به عنوان نمودی از شکوه و تجمل دربار خلفای عباسی تا سده‌های بعد دیده می‌شود. در روزگار نخستین شاهان ساسانی، کارگاه‌های پیشه‌وران در این استان گسترش یافت و این توسعه تا روزگار خلافت عباسیان ادامه داشت در این زمان شهر باستانی شوشتر در ناحیه‌ای با چنین پیشینه‌ی بافندگی به عنوان مرکزی پرآوازه در تولید نوع خاصی از بافته‌های ابریشمی به نام دیبا شناخته می‌شد. این بافته‌ها از سده‌ی سوم تا سیزدهم میلادی به عنوان پوششی شاهانه و گران‌بها شناخته و داد و ستد می‌شد. از جامه شاهان تا خفتان و پوشش کعبه. از دلایل این تنوع کاربری می‌توان به تنوع نقش‌ها و رنگ‌ها در دیبا اشاره نمود. بیش‌ترین

موارد استفاده از دیبای شوشتری در تهیه البسه‌ای بود که به مصرف درباریان و شخص خلیفه می‌رسید. به عنوان نموده در میان جامه‌های معتضد عباسی، جامه‌هایی از دیبای شوشتری وجود داشت.<sup>۱</sup>

## ۲- بیان مسئله

پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که بافندگی از نخستین حرفه‌های صنعتی و حتی قدمتی بالاتر از سفالگری دارد. از سوی دیگر بررسی متون تاریخی همچون تاریخ بیهقی و یا گزارش‌ها میرزا عبداللطیف شوشتری (۱۸۰۱) نشان می‌دهد که، قرن‌های متمادی است که بشر به الیافت و بافت پارچه دست‌یافته است. اما این گزارش‌ها و یا اشاره نمودن یک منبع در مطالعات تاریخی و تطبیقی بر اساس اسناد یافته قابل اتکایی نمی‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که منابع نوشتاری سرشار از توصیف‌هایی است که از میان آن‌ها می‌توان تا اندازه‌ای به خاستگاه این میراث فاخر پی برد. بر اساس شواهد و بررسی اسناد تاریخی در زمینه‌ی بافت انواع منسوجات دارای پیشینه‌ای کهن است. مَهرهایی متعلق به هزاره چهارم (ق. م) از حفاری شوش به دست آمده که بافندگانی را در کنار دستگاه‌های مختلف نساجی نشان می‌دهد. روی یکی از آن‌ها که پیر آمیه طراحی و معرفی کرده یک دار افقی دیده می‌شود که در هر سوی آن یک نفر خم شده و مشغول بافتن است. از دوره ساسانی که یکی از باشکوه‌ترین ادوار هنری ایران است، تعداد زیادی پارچه ابریشم باقی‌مانده است که در موزه‌ها و کلیساهای اروپا نگهداری می‌شود. در این دوره پارچه‌بافی ایران به ویژه ابریشم‌بافی از اهمیت زیادی برخوردار بود و شهرهای شوش و شوشتر، جندی‌شاپور و ری دارای معتبرترین کارگاه‌های پارچه‌بافی بودند.

بر اساس متون تاریخی همانند بولنوا، معزی و دیوان ادیب صابر ترمذی، با قاطعیت می‌توان گفت تاریخ آغاز بافت دیبای شوشتری، مصادف با، مهاجرت اهالی روم عامل گسترش نساجی در خوزستان است. شاپور ساسانی در جنگی سه سال، ۲۳۹ و ۲۴۱ م انطاکیه را تصرف نمود. شاپور بار دیگر در سال‌های ۲۵۳ م و ۲۶۰ م به انطاکیه لشکرکشی کرد و والریانوس، امپراتور روم و سربازان او را به اسارت گرفت. سپس این اسیران را به شهرهای مختلف از جمله خوزستان تبعید کرد. انسان‌هایی از امپراطوری روم گرفتار شدند. ما آن‌ها را در امپراطوری ایران خودمان، در سرزمین پارس، در سرزمین پارت، در سوزیانا (خوزستان) و در آسورستان تبعید کردیم.<sup>۲</sup>

شاپور بن اردشیر با رومیان جنگ کرد و گروه بسیاری از ایشان را اسیر گرفت و آنها را به شهر شاپور در فارس و دو شهر جندی شاپور و تُستر (شوشتر) در اهواز (خوزستان) آورد.<sup>۳</sup>

۱. مسعودی ۲۵۳۶، ج ۲، ۷۸۲.

۲. گیرشمن، ۱۹۳، ۱۳۷۹ - ۱۵۶.

۳. مقدسی، ۱۲۷۴: ۵۱۱.

یکی دیگر از اسنادی که روشن و دقیق است تاریخ نحوه تولید ابریشم و دیبای شوشتر را بیان می‌کند: آرتور پوپ عنوان می‌دارد: مقارن نیمه قرن ششم میلادی بود که پرورش نوغان و تهیه ابریشم در ایران معمول شد. یافته‌هایی که محقق از تاریخ مسعودی تحلیل نموده بیانگر این مسئله است که تاریخ راه یافتن ابریشم به ایران مصادف با شکست رومیان از شاپور دوم است که تعدادی از بافندگان اسیر شده را در شوشتر، شوش و شهرهای ناحیه اهواز جای داد و در این زمان تولید دیبای شوشتری و انواع حریر در این شهر معمول شد. تافته را در شوش و پرده را در خاک نصیبین می‌بافتند.

همچنین، شاپور دوم بافندگانی را از «آمیده»، در شمال بین النهرین، به شوش و دیگر شهرهای خوزستان کوچ داد و آنها گونه‌های تازه‌ای از پارچه‌های ابریشمی و زری رواج دادند. بهشتی پور می‌نویسد: کارخانه‌های نساجی در مرو، ری، اهواز و شوشتر، انواع مسنوجات مانند شال‌های کرکی، پشمی، حریر و دیبا را می‌بافتند.

### ۳- تاریخچه ابریشم

در بررسی تاریخچه ابریشم و خاستگاه پارچه ابریشم در تطبیق با پارچه دیبای شوشتری پس از بررسی‌های مختلف در متون و نتایج به دست آمده در می‌یابیم که اولین بار کرم ابریشم را چینی‌ها اهلی کرده و پرورش دادند. در سال ۲۶۶۰ قبل از میلاد "سی لین شی" ملکه افسانه‌ای چین باستان که در عصر مفرغ می‌زیسته و همسر امپراطور اسطوره‌ای چین یعنی "هوانگ تی" بوده است ضمن گردش در مزارع جنگلی متوجه تارهای نازکی شد که روی شاخه‌ها و برگ‌های درختان توت تنیده شده بود. بنابر تاریخ‌های اولیه چینی، هوانگ تی اولین امپراطور سلسله شی می‌باشد. که در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد تأسیس شده است. در تاریخ چین از: ملکه سی لین شی: با افتخار و مباحثات یاد شده و راه اندازی نوعان داری و بافت پارچه‌های حریری را به او نسبت می‌دهند. هر ساله در فصل بهار طی مراسمی او را الهه ابریشم معرفی می‌کنند و برایش جشن می‌گیرند. با کشف ابریشم، سلاطین چینی نحوه تولید و تهیه پارچه‌های ابریشمی را نزد خود محفوظ داشته و استفاده از این پارچه‌ها برای درباریان و شاهزادگان مجاز بود.<sup>۱</sup>

"ویل دورانت" می‌گوید: زنان در کلبه‌ها یا کارگاه‌ها انواع لباس و پارچه‌های مزین و گرانبها را با نخ ابریشم به شکلی کاملاً ماهرانه برای ثروتمندان می‌بافتند درحالی که خود جامه پنبه‌ای برتن داشتند. چینی‌ها بیش از ۳۲۰۰ سال توانستند از خروج نحوه تولید ابریشم و پرورش کرم ابریشم به خارج از امپراطوری خویش ممانعت به عمل آورند.<sup>۲</sup>

۱. اصلاتی، ۱۳۷۵: ۲۰

۲. دورانت، ۱۳۷۲: ۸۴۵

طبق منابع موجود تاریخ تولید ابریشم از کشور چین شروع شده است. چینی‌ها ابریشم و پارچه‌های ابریشمی را نزدیک به ۳۰۰۰ سال در انحصار خود داشتند و در طی این قرن‌ها راز آن را از بقیه جهان محفوظ نگه داشتند.

### ۴- جایگاه داخلی و منطقه‌ای دیبای شوستری و ابریشم

#### ۴-۱- جایگاه دیبای شوستری در سده‌های ۴ و ۵ هـ ق

پس از بررسی خاستگاه دیبا و اطلاع از خاستگاه آن در شوستر در می‌بایم که این پارچه ارزشمند گاهی با الیاف طلا برای لباس پادشاهان بافته می‌شد و حتی تا سه قرن پیش پارچه دیبای شوستری در تزئین خانه کعبه به کار می‌رفته است. به اعتقاد احمد اقتداری در کتاب دیار شهریاران و همچنین گزارش میرزا عبداللطیف شوستری در سفرنامه خود چنین بیان کرده است: «دیبا پارچه‌ای بود که از حریر خالص به مراتب نرم تر و بهتر آن را به زر و سیم و نقوش بدیعه دلکش می‌بافتند و در آن زمان مخصوص دستار ملوک و سلاطین بوده (تحفه العالم، میرزا عبداللطیف شوستری، ۱۸۰۱): همچنین مدح جایگاه این منسوج مورخ در تاریخ بیهقی این گونه آورده است: (هر غلامی کمانی و سه چوبه تیر بر دست و همگان با قبا‌های دیبای شوستری (شوستری) بودند.<sup>۱</sup>

#### ۴-۲- جایگاه پارچه ابریشم در سده‌های ۴ و ۵ هـ ق

بنا به گفته ابن حوقل، اصل ابریشم طبرستان از ولایت گرگان بدست می‌آمد، زیرا در طبرستان از پيله‌های گرگان که محصول بهتری می‌داد استفاده می‌کردند و پيله‌های طبرستان این چنین نبود. بیشتر ابریشم گرگان نیز از بکر آباد قسمت غربی گرگان بود.<sup>۲</sup> در شهر گرگان انواع جامه‌های پشمی و ابریشمی یکرنگ و با رنگ چون مبرم (نوعی پارچه که دو تا بافته می‌شد) و حریر و نظیر آن تولید می‌شد و کتان و ابریشم در آن بسیار عمل می‌آمد.<sup>۳</sup> به روایت اعلایک النفیسه، بیشترین چیزی که در قومس فروخته می‌شد پارچه‌های سفیدی بود برای تهیه طیلسان<sup>۴</sup> از گرگان نیز ابریشم و جامه‌های خوب به عمل می‌آمد.<sup>۵</sup> در این شهر انواع جامه‌های حریر<sup>۶</sup> جامه ابریشم سیاه، وقابه، دیبا و قزین (هر چیز بافته شده از ابریشم) تولید می‌شد.<sup>۷</sup> از محتوای متون تاریخی در تحلیل و تبیین جایگاه ابریشم در این دوره بر می‌آید که هرچقدر دیبای شوستری در شهرهای نزدیک فلات خوزستان و هم مرز با اعراب از اقبال بیشتری مواجه بود. به همان

۱. تاریخ بیهقی، ص ۲۹

۲. ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۲۳ و ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۷

۳. استخری، ۱۳۶۸: ۱۷۳؛ حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۴۳ به نقل ابن حوقل

۴. ابن رسته، ۱۳۶۵: ۱۹۹

۵. استخری، ۱۳۶۸: ۷۳

۶. یعقوبی؛ ۱۳۸۱: ۴۳؛ منجم ۱۳۷۰: ۷۳

۷. حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۴۳

اندازه در سطح منطقه طبرستان و گرگان و... برخوردار بود. اما در بحث اندکی از دیبای شوشتری کم اقبال تر بود.

«آنچه مسلم است دیبای شوشتری و ابریشم را از نظر جایگاه منطقه‌ای و جنس الیاف و نحوه تولید و مشخصات ظاهری (نقوش، ابعاد، رنگ، طرح) مقایسه و تطبیق قرار دهیم.

بر اساس همین تطبیق تمام مطالعات و گزارشات متون تاریخی را در قالب جدولهای جداگانه‌ای به نگارش درآورده و مورد بررسی قرار می‌دهیم.»

#### ۴-۳- تطبیق مشخصات ظاهری دیبای شوشتری با ابریشم

##### نقوش، ابعاد، رنگ، طرح

در منابع نوشتاری توصیف‌های زیادی وجود دارد که از میان آنها می‌توان تا حدودی به خاستگاه، ارزش اجتماعی و ویژگی‌های فنی و هنری همچون طرح، رنگ، شیوه بافت، نقش و شیوه سیر تاریخی منسوجات پی برد.

ابتدا در ۲۷۵۰ قبل از میلاد چینی‌ها از الیاف تارهای کرم ابریشم توانستند ابریشم مرغوب را تولید کنند سپس ایرانیان در هزاره اول با جمع‌آوری پيله‌های انواع کرم ابریشم توانستند منسوجات ابریشمی را تولید کنند.

بعد از الیاف دومین وسیله بافندگی، دوک نخ ریسی می‌باشد. دوک وسیله تبدیل الیاف به نخ می‌باشد و تاریخچه دوک به اوایل دوره نوسنگی می‌رسد.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد ابداع بافت پارچه‌های طرح دار است. حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد پارچه‌های طرح دار به شکل دو پودی در جنوب و جنوب غربی ایران بافته می‌شده‌اند. طرح‌ها و نقوش البسه مردم دوره ساسانی را در حجاری‌های طاق بستان و سنگ نگاره‌های فارس و ظروف سیمین و زرین و مهرها، گچ بری‌ها و نقاشی‌های دیواری می‌توان مشاهده کرد. پوپ در مورد بافندگی دوره ساسانی مینویسد: شهرت هنر پارچه بافی ایران در دوره ساسانی به اوج خود می‌رسد. در این دوره بود که ابریشم از چین به ایران آمد.

نقوش مورد استفاده و رایج این دوران عبارتند از: نقوش هندسی، گیاهی، حیوانی، انواع پرنده‌ها، طرح مشبک شده انواع گل‌ها و موجودات خیالی مانند سیمرغ.

این طرح‌ها و نقش‌ها بعد از ساسانی، در بیزانس و جهان اسلام نیز مورد استفاده قرار گرفت. در نساجی ساسانی بیشتر از رنگ‌های شفاف، خالص و از رنگهای شادی چون آبی، قرمز، طلائی، لاجوردی، سبز و سفید استفاده می‌شد.

در نساجی ساسانی از دستگاه‌های بافندگی پیشرفته استفاده می‌شد. نقش‌های دو رویه موجود در پارچه‌ها نشانه آن است که تولید این گونه پرچه‌ها نیاز به دستگاه‌های بافندگی افقی دارای محرک پائی یا پدال می‌باشد. زیرا افزایش رشته‌ها بدون کنترل از طریق پدال نمی‌توانست تحقق یابد.

مسعودی مورخ قرن ۴ هجری به صنعت پیشرفته نساجی دوره ساسانی در خوزستان اشاره کرده است. در اهواز پارچه‌های حریر لطیفی می‌بافتند که زنان برتن می‌کردند شوش با پارچه‌های ابریشمی خود شهرتی بسزا داشت.

بر همین اساس بیان می‌شود که در روزگار ساسانی غرب آسیا نسبت به سرزمین چین در زمینه تولید منسوجات پیشرفته تر بوده و پارچه‌های ساسانی به مراتب لطیف تر از پارچه‌های چینی بوده است. همچنین طرح‌های تقلیده شده ایرانی را در سرزمین‌های دوری چون ژاپن، مصر، هند، آسیای مرکزی، بیزانس و دیگر ممالک اروپائی می‌توان مشاهده نمود.

طرح و نقش تزئین این منسوجات اغلب عبارتند از دایره‌های جدا یا مماس که دایره‌های چرخ دار نامیده میشدند.

قطعاتی از پارچه‌های ابریشمی ساسانی که در موزه‌های مختلف دنیا نگهداری می‌شوند.

- دو قطعه ابریشمی یکی در پاریس و دیگری در لندن (موزه ویکتوریا و آلبرت)

- یک قطعه در پاریس (موزه هنرهای زیبا)

- دیگری در فلورانس (موزه ملی)

- قطعه‌ای دیگر در برلین (موزه دولتی)

- موزه لوور

- در واتیکان دو قطعه ابریشمی

### ۴-۴- تطبیق خاستگاه منسوجات دببای شوشتری و ابریشم

براساس منابع تاریخی می‌توان گفت که سه عامل را بر خاستگاه دببای شوشتری و نحوه گسترش آن بیان کرد. این سه عامل عبارتند از: مهاجرت، جنگ و عامل فنی که این عوامل توسط "پوپ" به اثبات رسیده است که عامل فنی با بررسی بر روی اشکال ظاهری و نوع دوخت آن (نوع بافت) صورت گرفته است. در این بررسی مشخص شده است که از تارهای جفتی، مخصوص بافت انطاکیه است و در دببای شوشتری به جای تارهای منفرد از تارهای جفتی استفاده می‌کرده اند و این بافت مخصوص دببا بوده است اما تطبیق دببا با ابریشم را می‌توان این گونه بیان کرد که اسارت و جنگ باعث شده که بافت ابریشم توسط فردی به نام پوسی که مهارت بالایی در بافت ابریشم داشت در شوش رونق پیدا کند و می‌توان گفت که دببا در سده سوم و ابریشم در سده چهارم میلادی پس از تجارت با چین و انتقال آن به سرزمین پارس (خوزستان) کشف و گسترش یافت.

بنابراین خاستگاه دببا شوشتر مختص به منطقه خوزستان (شوشتر) بوده ولی ابریشم از طریق تجارت چین به ایران و خوزستان وارد شده است.



جدول ۱: خلاصه تطبیق خاستگاه منسوجات دیبای شوستری و ابریشم

نوع منسوج	پیدایش	عصر	خاستگاه	عوامل گسترش	نحوه تشخیص
دیبای شوستری	سده سوم	ساسانی	خوزستان - شوستر	مهاجرت - جنگ - تجارت	نوع بافت تارهای جفتی و نقوش زیبا
ابریشم	سده چهارم	ساسانی	چین - خوزستان	اسارت و مهارت بافندگان	نوع الیاف فاخر و نقوش زیبا

#### ۴-۵- تطبیق جایگاه داخلی و منطقه‌ای دیبای شوستری و ابریشم

در ارتباط با جایگاه داخلی و منطقه‌ای دیبای شوستری و ابریشم باید گفت که در آن زمان پارچه‌های ابریشمی به خصوص دیبای شوستری و لباس‌های ابریشمی در مناطق دور و نزدیک خریداران زیادی داشت.

یکی از دلایل جایگاه ارزشمند دیبای شوستری و ابریشم در منطقه استفاده طبقات اجتماعی از این منسوجات می‌باشد. در دوران ساسانی و حتی پس از اسلام اغلب استفاده کنندگان این منسوجات، نزدیکان حکومت و درباریان و اشراف و تجار متمکن بوده‌اند و یکی دیگر از دلایل جایگاه اجتماعی دیبا، رسم حاکمان بر هدیه و پیشکش دادن پارچه‌های فاخر و البسه به سایر سلاطین و حاکمان سرزمین‌های دیگر بود.

در متون تاریخی «امیل، ۱۹۶۷» می‌توان به این نتیجه رسید که علاوه بر اینکه چینی‌ها کاشف الیاف اولیه ابریشم می‌باشند ولی پارچه‌ی دیبای شوستر به خاطر تنوع بافت تکی و جفتی در دوره ساسانی از ارزش و جایگاه بالاتری برخوردار می‌باشد و چینی‌ها از روی پارچه‌ی دیبای شوستر بافت پارچه‌های ابریشمی را تقلید می‌کردند. طبق متون پوپ (۱۹۷۲) این موضوع به اثبات رسیده که، یکی از با ارزش ترین، تجملات دوره ساسانی پارچه دیبا و ابریشم بوده است.

#### ۴-۶- تطبیق جایگاه داخلی و منطقه‌ای دیبای شوستری و ابریشم از نظر عوامل فنی

با توجه به این که هر دو منسوج دیبای شوستری و ابریشم دارای اهمیت و ارزش می‌باشند ولی دیبای شوستری به دلیل اصالت و یکدستی و بدون اندک ناخالصی و دخالت سرزمین‌های دیگر در کشف الیاف، نوع بافت، گره‌های ظریف از جایگاه بالاتری برخوردار است لی ماده اولیه‌ی ابریشم و منسوجات ابریشمی به صورت خام از چین دریافت می‌شده و در ایران رنگرزی و بافته می‌شود.

جدول ۲: خلاصه تطبیق جایگاه داخلی و منطقه‌ای و فنی دیبای شوشتری و ابریشم

نوع منسوج	عوامل اجتماعی	عوامل فنی
دیبای شوشتری	دیبای شوشتر از نظر عوامل اجتماعی در دوران ساسانی و پس از اسلام مورد استفاده نزدیکان حکومت و درباریان و اشراف و تجار بود همچنین دیبای شوشتری به عنوان کالا، تحفه و پیشکش بین حاکمان و سلاطین سرزمین‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت.	دیبای شوشتری به دلیل اصالت و یکدستی و عدم ناخالصی و دخالت دیگر سرزمین‌ها نسبت به ابریشم از جایگاه بالاتری برخوردار است.
ابریشم	از نظر طبقات اجتماعی دیبا مختص حکما و درباریان بود ولی ابریشم مختص کسانی بود که به درباریان نزدیک بودند. یعنی نزدیکان درباریان از ابریشم استفاده می‌کردند.	پارچه‌ها و البسه ابریشمین در چین تولید می‌شد و به صورت خام به ایران فرستاده می‌شد و در ایران بافته و رنگرزی می‌شد.

#### ۴-۷- تطبیق نحوه تهیه مواد (جنس نخ) دیبای شوشتری و ابریشم

اگر بخواهیم در مورد دیبای شوشتری صحبت کنیم باید بگوییم که در بافت دیبای شوشتری از نوعی الیاف ابریشمی به نام استبرق استفاده می‌شد که مشخصات آن در عین ظرافت و زیبایی و انعطاف پذیری از ماندگاری بالایی برخوردار بوده، الیاف استبرق بر پایه سلولزی بود و این الیاف از داخل میوه و ساقه گیاه استخراج می‌شود و جزء الیاف نیمه کوتاه بوده یکی از مزیت‌های دیبای شوشتری نسبت به پارچه ابریشمی در خواص تار و پودی استبرق در آن دوران بود. الیاف استبرق و ابریشم به خاطر چگالی کم، مقاومت بالا، در دسترس بودن و تجدید پذیر بودن به عنوان ماده تقویت کننده مورد توجه صنعتگران و محققان قرار می‌گرفت.

مرغوبیت پارچه‌های دیبا را می‌توان از سنگ نگاره‌های ساسانی و طاق بستان تشخیص داد. این الیاف در عین فعالیت چین نمی‌خورند و صاف ایستاده. این خصوصیات نشانه و دلیل استفاده از الیاف با کیفیت در پارچه دیبا می‌باشد. اما اگر در مورد ابریشم بخواهیم صحبت کنیم باید عنوان کرد که الیاف ابریشم بر پایه پروتئینی بوده و از پيله کرم ابریشم به دست می‌آید و جزء الیاف بلند محسوب می‌شود و خاستگاه ابریشم از چین بوده که این جزء ضعف‌های ابریشم بوده و اصالت آن به چین بر می‌گردد.

همچنین ابریشم را علاوه بر استخراج از پيله كرم ابريشم مي توان از جانوراني چون عنكبوت و صدف دو كپه اي به دست آورد. جدول ۳: تطبيق جنس، نوع نخ، نحوه تهيه ديبياي شويشتری و ابريشم

نوع منسوج	نحوه تهيه الياف	جنس و كيفيت الياف
ديبياي شويشتری	در بافت پارچه ديبياي شويشتری از الياف ابريشمي و براق از گياهي به نام استبرق استخراج كرده، استبرق جزء الياف كوتاه و نيمه كوتاه بوده و از ميوه و ساقه گياه استبرق به دست مي آيد و پايه سلولوزي دارد.	الياف استبرق ظريف و زيبا و براق و داراي انعطاف پذيري بالايي مي باشد و همچنين چگالي كم و مقاومت بالايي دارد. الياف استبرق به خاطر تجديد پذير بودن و استحكام بالا مورد توجه محققان و صنعتگران قرار مي گرفت. همچنين اين الياف با بدن انسان سازگاري داشته و جلوگيري از حساسيت ها و آلرژي هاي ميكروبي بهترين دليل براي استفاده از منسوجات و البسه مي باشد.
ابریشم	به لحاظ اينكه ابريشم در حدود ۲۷۰۰ سال پيش از ميلاد از پيله كرم ابريشم در چين كشف شد، ابريشم بر پايه پروتئيني بوده و جزء الياف بلند مي باشد.	الياف ابريشم همانند الياف استبرق ظريف و براق مي باشد و همچنين برگشت پذيري به طبيعت و عدم حساسيت و آلرژي را دارا مي باشد. نکته قابل توجه اينكه علاوه بر كرم ابريشم مي توان از عنكبوت و صدف دو كپه الياف ابريشم را توليد كرد.

#### ۴-۸- تطبيق مشخصات ظاهري ديبياي شويشتری و ابريشم از نظر ابعاد و رنگ و طرح

در مورد مشخصات ظاهري ديبياي شويشتری بايد گفت كه منسوجات دوران ساساني كه در خارج از ايران يافت شده اند را از روی نقوش و شيوه بافت آنها به خوزستان مرتبط دانسته اند و اين نمونه بافت ها را در گورهاي آسياب ميانه، مصر، خزائن كليساهای اروپا كشف كرده اند. بيشتري اين منسوجات ابريشمي به شيوه ي مركب جناغي بافته شده اند،<sup>۱</sup> پفيستر در ۱۹۳۲م. معتقد است كه نخستين بار پارچه هاي پشمي در سوريه و بين النهرين به شيوه سرژه (كجراه) بافته شدند و مورد توجه شاپور يكم قرار گرفت.<sup>۲</sup>

۱. يارشاطر، ۱۳۸۰، ج ۳، ۶۴۵

۲. پفيستر، ۱۹۳۲: ۴۷۳

در بررسی کلی منسوجات ساسانی، نقوش پارچه‌ها و زربفت‌ها بیشتر به صورت قرینه سازی و برگرفته از خطوط هندسی و گاه از نقوش گیاهی مشاهده می‌شود. این طرح‌ها اغلب به صورت ترکیبی از ترنج‌هایی است که در میان آنها نقش سیمرغ، اژدها، اردک، خروس، اسب بالدار، حیوانات افسانه‌ای یا علائم مذهبی مانند آتشدان، درخت مقدس به چشم می‌خورد.

پارچه دیبا اغلب به صورت زربفت و به رنگ قرمز، سبز بود<sup>۱</sup> نمونه ی پاره دیبا متعلق به دوره ی متأخر (سده سیزدهم میلادی/ شش و هفت هجری) در شوشتر و مزین به نقوش سیمرغ روبروی هم با زمینه ی آبی تیره و نقوش به رنگ‌های سبز و سفید است که در موزه کانست گوریه (موزه صنایع تطبیقی برلین) نگهداری می‌شود.<sup>۲</sup>

پوپ دو قطعه پارچه را از سده‌های میانه ایران با توجه به شیوه بافت با پارچه‌های ابریشمی ساسانی بافته شده در شوشتر می‌داند. یکی از آنها دارای نقش درخت سیب به رنگ سبز و قهوه‌ای و میوه‌های آبی است که دو پرند روبروی هم بر شاخه ی فوقانی این درخت طراحی شده است پارچه ی دیگری که از قبور شهر ری به دست آمده، مزین به طرح‌های برگ با نقش درخت سیب است<sup>۳</sup> و اما مشخصات ظاهری ابریشم: باید بگوییم که در چین نوعی بافت رایج بود که اصطلاحاً به آن تار طرح مرکب می‌گفتند. در این روش دو تار با رنگهای متضاد به کار می‌رفت و قسمتی از هر تار طبق طرح روی پارچه آورده می‌شد و این تارها درهم و با هم بافته نمی‌شد و پود از بین دو تار عبور می‌کرد و بافت پود دیگر مانند بافت ساده بود که در یک زمان با هر دو تار درهم می‌شد همچنین در آغاز عصر مسیحیت روش دیگری در بافت تار طرح مرکب در چین ابداع شد.

در دوره ساسانی روش دیگری در پارچه بافی رواج یافت که از دوره سلسله هان (۲۲۰ ق. م - ۲۲۰ میلادی) در چین رایج بود.

در دوره اسلامی دوک نخ، چرخ نخ ریزی و دستگاه بافندگی از مهمترین ابزارهای بافندگی بودند. مسکویه (۳۲۰ - ۴۲۱؛ ج ۲، ص ۲۳۰) چرخ نخ ریزی در یکی از شهرهای عصر آل بویه اشاره دارد که نشان دهنده کارایی بالای این دستگاه است. این دستگاه در دوره اسلامی با پیشرفت‌های فنی همراه بود و این پیشرفت در بافت پارچه‌های متنوعی تأثیر زیادی داشت

۱. واندنبرگ، ۱۳۴۸: ۲۶۶ - ۲۵۵

۲. الوند، ۸۵، ۱۳۵۵

۳. پوپ ۱۳۸۷، ج ۵، ۲۳۱۴

جدول ۴: تطبیق مشخصات دیبای شوستری و ابریشم (ابعاد - رنگ - طرح)

نوع منسوج	نقوش و طرح ها	زیبایی بافت
دیبای شوستری	نقوش مورد استفاده دیبای شوستری نقوش هندسی - گیاهی - حیوانی - انواع پرنده‌ها - طرح‌های مشبک شده انواع گل‌ها و موجودات خیالی مانند سیمرغ و بیشتر از رنگ‌های شفاف، خالص و شاد چون آبی، قرمز، طلایی، لاجوردی، سبز و سفید استفاده می‌شد.	در دوران ساسانی از طرح‌های دو پرودی (جفتی) استفاده می‌شد. در این روش از دو پود استفاده می‌شد یکی برای بافت ساده و از پود دیگر برای وقتی بخوهد طرح بر روی پارچه قرار گیرد (پارچه مرکب) برای پارچه دیبای طرح دار، دو تار با رنگ‌های متضاد به کار می‌رفت قسمتی از تار روی پارچه قرار می‌گرفت.
ابریشم	قدیمی ترین پارچه ابریشم در منطقه دریایچه تای یافت شده که شامل چند تکه پارچه، نخ و کمر بند ابریشمی است. در دوره پارتها و افتتاح جاده ابریشم، دولت پارت به عنوان واسطه تجارت بافته‌های ابریشمی بین چین و جهان غرب عمل می‌کرد. دوره ساسانیان یکی از دوره‌های درخشان فرهنگ و هنر در ایران دانست.	طرح و نقش تزئین این منسوجات اغلب از دایره‌های جدا یا مماس بود که به آن‌ها دایره‌های چرخ وار می‌گفتند. نقوش حجاری‌های طاق بستان به عنوان سندی است که اصالت پارچه‌ها را به ایران نسبت می‌دهد و نشان می‌دهد که دیبای شوستری از ابریشم با اصالت تر و خالص تر است.

## ۵- نتیجه گیری

با بررسی دقیق تاریخچه و متونی که در کتب تاریخی موجود است می توان گفت که قرن های زیادی است که بشر به الیاف و بافت پارچه دست یافته است، در عهد ساسانیان بافندگان از گیاهان مختلف الیاف را استخراج میکردند و معتقد بودند که الیاف طبیعی پوشش مناسبی برای تن می باشد زیرا الیاف طبیعی توانایی سازگاری با شرایط آب و هوایی و بدن انسان و جلوگیری از حساسیت ها و آلرژی های میکروبی را دارد و یکی از این الیاف طبیعی، الیاف استبرق می باشد که از گیاه استبرق به دست می آید. این الیاف علاوه بر ظرافت، براق و محکم بوده که با آن پارچه ای به نام دیبا می بافتند. با توجه به شواهد و توصیف هایی که از دیبای شوشتری در منابع مکتوب آمده در می یابیم که پارچه مذکور منسوجی ابریشمین و زربفت بوده است که بافت آن در روزگار شاپور دوم ساسانی، با مهاجرت بافندگان سوری و رومی به ایران، در شهر شوشتر توسعه یافته و پس از اسلام نیز با حمایت خلفا و حاکمان ایرانی تا قرن ها کاربرد داشته است. پارچه ی دیبا به خاطر تنوع بافت و رنگ و ظرافت نسبت به ابریشم از اعتبار و جایگاه بالائی برخوردار بود و مخصوص البسه و پوشاک سلاطین و خلفا به کار می رفته و همچنین به عنوان پوشش کعبه به حجاز فرستاده می شد. اصالت پارچه ی دیبای شوشتری مخصوص منطقه خوزستان شوشتر می باشد در صورتی که خاستگاه ابریشم به سرزمین چین بر می گردد. در بافت پارچه دیبای شوشتری از الیاف طلا و نقره استفاده می کردند که پارچه ی دیبا را پارچه ی زربفت نیز می گویند جود الیاف زری دیبا را به صورت منسوجی درخشان و گرانبها از دیگر پارچه ها ممتاز و متمایز ساخته است. منابع مکتوب بر بافت تصاویر انسانی و گیاهی بر دیبای شوشتری اشاره دارند و رنگ آن اغلب ارغوانی یا سبز بوده و بافت آن به صورت سرژه مزدوج (جفتی) از ویژگی های ابریشمین های شوشتر بوده است.

## فهرست منابع

- ابن حوقل (۱۳۴۵)، "صوره الارض"، (ترجمه جعفر شعار با عنوان؛ ایران در صوره الارض)، نشر بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ج ۲
- ابن مسکویه، (۱۳۷۶) تجارب الامم، ترجمه ابوالقاسم امامی و علینقی منزوی، تهران؛ سروش
- اصطخری، الف، (۲۳۶۸)، "مسالك و ممالک"، (تصحیح ایرج افشار)، ج ۴، انتشارات علمی فرهنگی: تهران، چاپ دوم
- آکرمن، ف، (۱۳۶۱)، نساجی ایران، بافته‌های دوران اسلامی"، (ترجمه زرین دخت صابر شیخ)، انتشارات سازمان صنایع دستی؛ تهران
- برتولد، الف، (۱۳۶۹)، "تاریخ ایران در قرون نخستین"، ج ۲، (ترجمه مریم میراحمدی)، انتشارات علمی فرهنگی: تهران، چاپ اول
- بهشتی پور، مهدی (۱۳۴۳)، تاریخچه صنعت نساجی ایران، تهران: تهران اکونومیست
- بیهقی، محمد بن حسین، (۱۳۹۰)، تاریخ بیهقی، تصحیح اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد
- پوپ، آرتور، (۱۳۸۷)، "سیری در هنر ایران"، (ترجمه زهره روح فر)، ج ۲، فصل ۲۳: پارچه‌های دوره ساسانی، انتشارات علمی فرهنگی: تهران
- پورابریشم، اکرم، و فربود، ف (۱۳۹۰)، «ماهیت دیبای شوشتری از منظر منابع مکتوب از نظر مؤلفه‌های خاستگاه، مراکز ولید، نقش و کاربرد»، نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی، شماره ۴۵، صفحات ۵۳ تا ۶۲
- روح فر، ز، (۱۳۸۰)، «نگاهی به پارچه بافی دوران اسلامی»، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (سمت)
- محمدی مهر، غلامرضا، نگاهی به کاربردهای روش تحلیل محتوا، نشریه پیام پژوهش، سال هشتم، شماره ۸۸
- مظلومیان، سعید و علوی، محمد هادی، (۱۳۹۸)، "اهمیت و کاربرد روش تحلیل محتوا در پژوهش"، نخستین کنفرانس ملی علوم انسانی و توسعه، شیراز.
- معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر ریاست جمهوری (۱۳۷۹)، اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران (۱۳۱۸-۱۳۴۵)، تهران، سازمان چاپ و نشر فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹
- معتمد نژاد، کاظم، روش تحقیق در محتوای مطبوعات (با کلیات درباره تجزیه و تحلیل محتوای ارتباطات جمعی)، تهران، انتشارات دانشکده علوم ارتباطی، چاپ اول، ۱۳۵۶
- معروفی، یحیی، یوسف زاده، محمد رضا، تحلیل محتوا در علوم انسانی (راهنمای عملی تحلیل کتابهای درسی)، همدان، سپهر دانش، ۱۳۸۸

- مفتخری، حسین، مهاجرت قبایل عرب به ایران در قرون نخستین اسلامی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، اردیبهشت، ۷۹
- موسوی نسب کرمانی، سید محمد رضا، آشنایی با روش تحلیل محتوا، نشریه پژوهش، سازمان صدا و سیما، پیش شماره دوم، پاییز و زمستان، ۱۳۸۴
- نقیب السادات، سید رضا، کاربرد روش تحلیل برای پیام های تصویری، نشریه کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۴، اردیبهشت، ۱۳۸۸
- الوند، احمد، (۱۳۵۵)، "صنعت نساجی ایران از دیرباز تا امروز"، انتشارات دانشگاه صنعتی پلی تکنیک: تهران.
- ویمیر، راجردی. جوزف آر و دومینیک، تحقیق در رسانه های جمعی، ترجمه کاووس سید امامی، تهران، انتشارات سروش و مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۸۴
- هولستی، ال.آر، تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالار زاده، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳، یارشاطر، ترجمه پیمان متین، تهران: امیرکبیر.

